

قرآن در اندیشه قرآنی امام خمینی (س)

سید عطا الله افتخاری^۱

چکیده: امام خمینی، احیاگر بزرگ قرآن در عصر حاضر، در مکتوبات و سخنرانی‌ها، اندیشه‌های قرآنی خود را در مورد منزلت و عظمت قرآن تبیین نموده است. ایشان در بیانات خویش که طی سال‌های متمادی در مناسبت‌های مختلف آمده است، جامعیت و فراگیر بودن، عظمت، انسان ساز بودن اعجاز در معارف و محتوی، گستردگی مخاطبین، رابطه قرآن و احادیث و ادعیه، مهاجوریت قرآن و برخی دیگر از ویژگی‌های آن را که برگرفته از کلام وحی و احادیث معصومین^(ع) می‌باشد مورد اشاره قرار داده‌اند. امام اعتقاد دارد که قرآن دارای مراتب معنایی است به گونه‌ای که بخشی از معارف ژرف آن تنها برای اهل بیت^(ع) قابل دستیابی است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، انسان، معجزه، جامعیت، مراتب معنایی، امام خمینی.

مقدمه

همه مسلمانان، قرآن کریم را معجزه پیامبر اکرم حضرت محمد^(ص)، کتاب خدا و آخرین پیام خداوند و سرچشمه جوشان معارف اسلامی و محور اتحاد مسلمانان می‌دانند. برای ورود به دریای بیکران قرآن، شناخت دقیق این کتاب عظیم لازم است. تا قرآن شناخته نشود، آنگونه که باید به آن ارج داده نمی‌شود. و هر قدر که قرآن بهتر شناخته شود، بیشتر معارف

۱. E-mail: eftekhari74@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۷

تاریخ ارسال: ۱۳۹۲/۲/۱۱

پژوهشنامه متین/سال شانزدهم/شماره شصت و دو/بهار ۱۳۹۳/صص ۱۹-۱

آن مورد توجه و عمل قرار می‌گیرد. در این راستا، در مقاله حاضر تلاش شده است که برخی از دیدگاه‌های قرآن پژوهی امام خمینی که در سالیان متمادی در نوشته‌ها و گفتارهای ایشان به یادگار مانده است مورد اشاره واقع شود. اگرچه از ایشان فقط یک اثر مستقل قرآنی یعنی تفسیر *سوره حمد* به جای مانده است اما اندیشه‌های بلند قرآنی این شخصیت ممتاز علمی در مکتوبات و گفتارهای ایشان آشکار و مشخص است و دیدگاه‌های آن امام بزرگوار مستند به آیات کریمه قرآن و احادیث معصومین^(ع) می‌باشد که به برخی از آنها در این مقاله اشاره می‌شود.

۱. کتاب نور

امام قرآن کریم را نور و روشنایی می‌داند لذا می‌فرماید:

اگر مسلمانان جهان به انگیزه انبیاء — علیهم السلام — که عصاره آن در آخرین کتاب انسان‌ساز، قرآن کریم، این کتاب هدایت — که از مبدأ نور الله، نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ به مشکات قلب نورانی خاتم الرسل — صلی الله علیه و آله و سلم — تابش نمود تا قلوب انسانها را از حبابهای ظلمت و نور برهاند و عالم را نور علی نور کند — پی برند و به اقیانوس نور متصل شوند، هرگز در اسارت شیطان و شیطان زادگان در نمی‌آیند... هان ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام، به خود آید و به این اقیانوس الهی متصل شوید، و از این نور مطلق استناره کنید (امام خمینی ۱۳۸۵ج ۱۶: ۵۱۶-۵۱۵).

در این معجزه الهی آمده است:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء: ۱۷۴): «و به سوی شما نوری روشنگر فرو فرستادیم».

قرآن نیز نوری آشکار است که روشنی می‌بخشد. تشبیه قرآن به نور تشبیه بسیار معنادار و شایسته‌ای است. چون نقش تعیین‌کننده نور در پرورش و رشد گیاهان و جانوران امری واضح است (جعفری بی تاج ۳: ۵۰).

۲. حبل ممدود بین آسمان و زمین

امام خمینی این عبارت موجز و پر معنی را چنین توضیح می‌دهند:

و این که از قرآن شریف به «حبل ممدود بین آسمان و زمین» تعبیر شده،

شاید یک وجهش همین باشد که رابطه روحانیه و واسطه معنویه بین عالم قدس و ارواح انس است.

از این رو از کلمات حضرات معصومین -علیهم الصلوة والسلام- که از ارواح متعلقه به عالم قدس و نفوس منقطعه به حضرت انس صدور یافته، به «حبل ممدود بین آسمان و زمین» تعبیر می‌توان [کرد]. چه که سروران ما -علیهم السلام- آنچه در ارشاد خلق و اصلاح مخلوق بیان می‌فرمودند، از سرچشمه کامل لائتی رسول اکرم است که از صراح وحی الهی و علم ربانی بوده و از قیاسات و اختراعات، که ساخته بدست تصرف شیطان است، عاری و بری است (امام خمینی ۱۳۸۲: ۴-۵).

در این رابطه قرآن عظیم می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳): «همگی به ریسمان الهی چنگ زنید

و متفرق نشوید».

۳. عظمت قرآن

امام عظمت قرآن را بی نظیر و بی قرین می‌داند و آن را فوق فهم بشری دانسته است و می‌فرماید:

فهم عظمت قرآن خارج از طوق ادراک است، لکن اشاره اجمالی به عظمت همین کتاب متنزل که در دسترس همه بشر است، موجب فوائد کثیره است. بدان ای عزیز که عظمت هر کلام و کتابی یا به عظمت متکلم و کاتب آن است و یا به عظمت مطالب و مقاصد آن است، و یا به عظمت نتایج و ثمرات آن است، و یا به عظمت رسول و واسطه آن است، و یا به عظمت مرسل الیه و حامل آن است، و یا به عظمت حافظ و نگاهبان آن است، و یا به عظمت شارح و مبین آن است، و یا به عظمت وقت ارسال و کیفیت آن است. و بعضی از این امور ذاتاً و جوهرراً در عظمت دخیل است، و بعضی عرضاً و بالواسطه، و بعضی کاشف از عظمت است (امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۸۲).

خداوند خود به عظمت این نور الهی توجه داده است:

«وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (حجر: ۸۷): «به تحقیق به تو «سبع مثنائی» و قرآن بزرگ را دادیم».

شایسته است انسان از سخن گفتن در عظمت و فضیلت قرآن لب فرو بندد و آن را به ناظران قرآن، راسخین و متخصصین در علوم آن موکول کند؛ زیرا آنان به حقیقت و عظمت قرآن از همه آشنا ترند و آنانند که انسان را به ارزش و واقعیت قرآن رهبری می کنند و آنانند که در فضیلت، قرین و همدوش قرآنند و در هدایت و رهبری سهیم و یاران آن (خوبی بی تا: ۲۴-۲۳).

۴. پاسخ دهنده به همه نیازها

قرآن کریم همه نیازهای فردی و اجتماعی انسانی را رفع می کند. امام می فرماید:

همان طوری که آدم همه چیز است: معنویت دارد، مادیت دارد، ظاهر دارد، باطن دارد، قرآن کریم هم که آمده است این انسان را بسازد، همه ابعاد انسان را می سازد؛ یعنی کلیه احتیاجاتی که انسان دارد، چه احتیاجاتی که شخص دارد و چیزهایی که مربوط به شخص است، روابط بین شخص و خالق تبارک و تعالی و مسائل توحید، مسائل صفات حق تعالی، مسائل قیامت - اینها هست / چه / مسائل سیاسی و اجتماعی و قضیه جنگ با کفار و اینها (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۴۸).

ایشان در جای دیگری بیان می دارد:

«قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد» (امام خمینی ب ۱۳۸: ۲۹).

قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

الف) «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹): «و بر تو کتاب را فرو فرستادیم که بیانگر همه چیز است».

ب) «مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸) در تفسیر شریف التبیان فی تفسیر القرآن آمده است: «ما فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» ای لم ندع الاحتجاج بما يوضح الحق و يدعو الى الطاعة و المعرفة و يزرع عن الجهل و المعصية، و تصريف الأمثال و ذكر أحوال الملائكة و بني آدم و سائر الخلق من أصناف الحيوان» (شیخ طوسی بی تاج ۴: ۱۲۷) که اشاره دارد به اینکه خداوند همه دلایل روشننگر

حقیقت و دعوت کننده به اطاعت خالق سبحان و معرفت وی و نیز بازدارنده از نادانی و گناه را در قرآن کریم بیان فرمود او در این راه مثالها آورده و فرشتگان و آدمی و انواع حیوانات را معرفی کرده است.

قرآن حاوی قوانین تام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شناخته شده است. و به قول دیگر مراد از کتاب در آیه مبارکه کتاب (قرآن) است که در آن از اقسام رهنماییها و اصول احکام و قوانین راجع به سیاست عمومی اسلامی و امور دینی و اجتماعی و اقتصادی چیزی را واگذار نفرموده و تفریط و تقصیری در تعیین تکالیف جامعه بشری که موجب صلاح و رفاه آنهاست نشده است (خسروانی ۱۳۹۰ ج ۳: ۶۶).

۵. کتاب آدم سازی

امام خمینی می فرماید:

قرآن کتاب آدم سازی است، برای آدم ساختن آمده است، کتاب حیوان سازی نیست؛ کتاب تعمیر مادیت نیست؛ همه چیز است. انسان را به تمام ابعاد تربیت می کند، مادیات را قبول دارد در پناه معنویات؛ و مادیات را تبع معنویات قرار می دهد. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۵۳۲).

ایشان در بیانات دیگری اظهار می دارند:

و امیدوارم که ان شاء الله ما فقط قرآن نخوانیم و تفسیر نخوانیم، و باورمان بیاید مسائل، و هر کلمه ای که از قرآن می خوانیم به طور باور [باشد. قرآن] کتابی است که می خواهد آدم درست کند، می خواهد یک موجودی را بسازد. یک موجودی را که خودش ایجاد کرده است و با اسم اعظم ایجاد کرده با «الله» می خواهد از این مرتبه ناقصی که هست او را برساند به آن مرتبه ای که لایق اوست. و قرآن برای این آمده است همه انبیا هم برای این آمده اند، همه انبیا آمده اند برای این که دست انسان را بگیرند و از این چاه عمیقی که در آن افتاده است - آن چاهی که از همه عمیقتر است چاه نفسانیت انسان است^۵ در آورند (امام خمینی ج ۱۳۸۱: ۱۱۳ ° ۱۱۲).

در کتاب اعجاز در قرآن کریم می خوانیم:

یکی از ابعاد شگفت انگیز اعجاز قرآن مجید اعجاز انسانی آن است. قرآن بزرگترین انقلاب انسانی را پدید آورده است. این واقعیت پیش چشم همه تاریخ آگاهان است که قرآن اقوام بت پرست بیابانگرد خشن کینه توز بی فرهنگ را به انسان‌هایی پاک باز، ایثارگر، ساده زیست، صاف دل، علم جو، خوش خو، راست گفتار، درست کردار، میانه رو، فروتن، پرکار، قوی پیکار، بی آزار، پرآزم با مصرف کم و بازده زیاد تبدیل کرد. اکنون نیز این توان انسان پروری در همه جغرافیای اسلام نمود دارد. به برکت همین انسان پروری قرآن است که اخلاق انسانی جامعه اسلامی نسبت به جامعه اروپایی و آمریکایی برتر و والاتر است (عرفان ۱۳۷۹: ۱۶۲).

قرآن عظیم به روشنی تمام این موضوع را مورد تأکید قرار داده است و می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُنَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء: ۹): «این قرآن به درست‌ترین آیین‌ها راه می‌نماید و مؤمنانی را که کارهای شایسته به جای می‌آورند بشارت می‌دهد که پاداشی بزرگ بر ایشان خواهد بود».

و نیز می‌فرماید:

«قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنْ أَسْمَعْنَا كِتَابًا أَنْزَلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ» (احقاف: ۳۰): «گفتند: ای قوم ما! به راستی ما کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده است، تصدیق‌کننده همه کتاب‌های پیش از خود است، به سوی حق و به سوی راه راست هدایت می‌کند».

همین حقیقت در آیات ۱ و ۲ سوره جن مشاهده می‌شود.

۶. جامعیت قرآن

امام خمینی این نور الهی را مجموعه‌ای جامع و کامل برمی‌شمارد:

و قرآن شریف به قدری جامع لطایف و حقایق و سرایر و دقائق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می‌مانند؛ و این، اعجاز بزرگ این صحیفه نورانیه آسمانی است، نه فقط حسن ترکیب و لطف بیان و غایت فصاحت و نهایت بلاغت و کیفیت دعوت و اخبار از مغیبات و احکام احکام و اتقان تنظیم عائله و امثال آن، که هر یک مستقلاً اعجازی فوق طاقت و خارق عادت است (امام خمینی ج ۱۳۸۱: ۴۴).

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا» (اسراء: ۱۲): «همه چیز را به‌طور مشخص (و آشکار) بیان کردیم».

۷. قرآن کتاب احیای دلهاست.

امام این کتاب الهی را عامل احیای قلوب دانسته می‌فرماید:

این کتاب چون عصای موسی و ید بیضای آن سرور، یا دم عیسی که احیاء اموات می‌کرد نیست که فقط برای اعجاز و دلالت بر صدق نبی اکرم آمده باشد؛ بلکه این صحیفه الهیه، کتاب احیاء قلوب به حیوة ابدی علم و معارف الهیه است؛ این کتاب خدا است و به شئون الله جل و علا دعوت می‌کند (امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۹۴).

خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال: ۲۴): «ای اهل ایمان، هنگامی که خدا و رسولش شما را به چیزی دعوت می‌کنند که موجب حیات شماست (قرآن) بپذیرید». و نیز می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۱۲۲): «آیا کسی که مرده بود سپس او را زنده کردیم و نوری بر او قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود همانند کسی است که در ظلماتها باشد و از آن خارج نگردد، اینچنین برای کافران اعمال [زشتی] که انجام می‌دادند تزیین شده است [و زیبا جلوه کرده]. در اینجا منظور از نور زندگی ساز همان قرآن است».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۸. اعجاز در معارف و محتوا

امام خمینی به معجزه در محتوای قرآن اشاره دارند و بیان می‌دارند:

این کتاب عزیز در محیطی و عصری نازل شد که تاریک‌ترین محیط و عقب افتاده‌ترین مردم در آن زندگی می‌کردند و به دست کسی و قلب الهی کسی نازل شد که زندگی خود را در آن محیط ادامه می‌داد و در آن حقایق و معارفی است که در جهان آن روز ° چه رسد به محیط نزول آن ° سابقه نداشت و بالاترین و بزرگ‌ترین معجزه آن همین است. آن مسائل بزرگ

عرفانی که در یونان و نزد فلاسفه آن سابقه نداشت و کتب ارسطو و افلاطون بزرگ‌ترین فلاسفه آن عصرها از رسیدن به آن عاجز بودند، و حتی فلاسفه اسلام که در مهد قرآن کریم بزرگ شدند و از آن استفاده‌ها نمودند به آیاتی که صراحت زنده بودن همه موجودات جهان را ذکر کرده، آن آیات را تأویل می‌کنند، و عرفای بزرگ اسلام که از آن ذکر می‌کنند همه از اسلام اخذ نموده و از قرآن کریم گرفته‌اند، و مسائل عرفانی به آن نحو که در قرآن کریم است در کتاب دیگر نیست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۲۰۹-۲۱۰).

خداوند سبحان می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲): «آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند که اگر از ناحیه غیر خدا بود اختلافات فراوانی در آن می‌یافتند».

این آیه کریمه نشان می‌دهد که اعجاز قرآن در محتوا مورد توجه این کتاب عظیم است.

۹. قرآن معجزه نبی خاتم (ص)

هر یک از پیامبران الهی برای بیداری فطرت مخاطبان خویش به اذن خداوند قادر، معجزاتی داشته‌اند. بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اعظم، کتاب قرآن است.

در این زمینه امام می‌فرمایند:

قرآن کریم خود در چند جا معجزه بودن خود را به تمام بشر در تمام دوره‌ها اعلان کرده است و عجز جمیع بشر را بلکه تمام جن و انس را از آوردن به مثل خود ابلاغ کرده امروز ملت اسلام همین نشانه خدا را در دست دارند و به تمام عائله بشری از روی کمال اطمینان اعلان می‌کنند که این نشانه پیغمبری نور پاک محمد است هر کس از دنیای پر آشوب علم و دانش مثل او را آورد ما تسلیم او می‌شویم و از گفته‌های خود برمی‌گردیم (امام خمینی بی تا: ۴۷).

به همین دلیل قرآن خود آغاز به تحدی کرده است گرچه به گواهی تاریخ، از آغاز تحدی قرآن تا کنون هیچ کس نتوانسته است همانند سوره‌ای از سوره‌های قرآن را بیاورد و دشمنان اسلام از هر راهی برای مقابله با گسترش اسلام وارد شده‌اند و حتی جنگ‌های خونینی به راه انداخته‌اند اما

از این راه که به ظاهر راه آسان‌تری می‌نماید وارد نشده‌اند و این نیست مگر از جهت اعجاز قرآن کریم و اینکه به‌راستی بشر از آوردن مانند قرآن ناتوان است (جعفری بی تا ج: ۱: ۹۱).

در همین رابطه قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۴-۲۳).

«اگر درباره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید [لااقل] یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر از خدا بر این کار دعوت کنید اگر راست می‌گویید. اگر این کار نکردید- و هرگز نخواهید کرد- از آتشی بترسید که هیزم آن بدن‌های مردم [گنجهکار] و سنگ‌هایی است که برای کافران مهیا شده است».

۱۰. تطبیق اعمال انسان با قرآن

یکی از آداب مهمه قرائت قرآن که انسان را به نتایج بسیار و استفادات بی‌شمار نائل کند «تطبیق» است و آن چنان است که در هر آیه از آیات شریفه که تفکر می‌کند، مفاد آن را با حال خود منطبق کند، و نقصان خود را به واسطه آن مرتفع کند و امراض خود را بدان شفا دهد (امام خمینی ۱۳۸۰: ۲۰۶).

خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» (مانده: ۶۸).

«ای اهل کتاب! شما هیچ موقعیتی ندارید مگر اینکه تورات و انجیل و آنچه بر شما از طرف پروردگارتان نازل شده است بر پا دارید».

۱۱. گستردگی مخاطبین

آیات کریمه این کتاب مقدس در همه زمان‌ها و در همه اقشار آدمیان را مخاطب قرار می‌دهد. امام به این مهم چنین اشاره دارند:

قرآن را چنانچه ملاحظه می‌فرمایید، در آن اکثر آیات شریفه‌ای است که اکثر مردم از آن استفاده می‌کنند. و در قرآن شریف آیاتی است که فقهای

عظام از آن استفاده می‌کنند، آیاتی است که فلاسفه از آن استفاده می‌کنند، آیاتی است که عرفا از آن استفاده می‌کنند. آیاتی است که خاصه اولیا از آن استفاده می‌کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۱۲۰ ° ۱۱۹).

قرآن کریم چنین می‌فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيُّ الَّذِي أَلْذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف: ۱۵۸).

«بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم، همان خدایی که حکومت آسمان‌ها و زمین از آن اوست، معبودی جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیامبر درس نخوانده‌ای که ایمان به خدا و کلماتش دارد و از او پیروی کنید تا هدایت یابید».

این معنی در آیه ۱۵۷ همین سوره و نیز آیه ۲۸ سوره مبارکه سبأ ملاحظه می‌گردد.

۱۲. هر کس به اندازه فهم خود از قرآن می‌فهمد:

امام در این زمینه می‌فرماید:

حقایق عقلیه را حق تعالی در قرآن شریف و انبیاء و ائمه معصومین - علیهم الصلوٰة والسلام - در احادیث شریفه، نوعاً به لسان عرف و عامه مردم بیان می‌کنند، برای شفقت و رحمت بر بنی الانسان است که هر کس، به مقدار فهم خود، از حقایق نصیبی داشته باشد. پس آنها حقایق غیبیه عقلیه را نازل فرمایند تا به درجه محسوسات و مأنوسات عامه مردم رسانند تا آنها که در این درجه هستند، حظی از عالم غیب به اندازه خود ببرند....

گرچه راسخ در علم و مظهر به قول مطلق، انبیاء و اولیاء معصومین هستند و از این جهت، علم تأویل به تمام مراتب آن، مختص به آنهاست، لکن علماء امت را نیز از آن به مقدار قدم آنها در علم و طهارت، حظ وافر است (امام خمینی ۱۳۸۲: ۶۱-۶۰).

در قرآن کریم می‌خوانیم: «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴).

«[زیرا آنان را] با دلایل آشکار و نوشته‌ها [فرستادیم] و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند».

در اینجا اندیشه شخص اصالت دارد؛ لذا هر کس به نسبت توان فکری و نیز تلاش خود بهره می‌برد.

۱۳. قرآن و حدیث برای طبقات مختلف

قرآن و حدیث برای طبقات مختلفه مردم آمده است. در آنها علوم است که مخصوصین به وحی می‌فهمند و دیگر مردم بهره از آن ندارند. و علومی است که برای یک طبقه عالی از دانشمندان است و دیگران از آن بکلی بی‌بهره هستند مانند براهینی که بر مجرد واجب و احاطه قیومی او است که شماها اگر تمام قرآن را بگردید نمی‌توانید اینگونه مسائل را از قرآن استفاده کنید لکن اهل آن مانند فیلسوف بزرگ صدرالمألهین و شاگرد عالیمقدار آن فیض کاشانی علوم عالیة عقلیه را از همان آیات و اخبار که شماها نمی‌فهمید استخراج می‌کنند (امام خمینی بی تا: ۳۲۳).

در قرآن کریم آیات فراوانی یافت می‌شود که مخاطب را با عبارات «یا ایها الناس...»، «یا ایها الذین آمنوا...»، «یا ایها الذین اتوا الکتاب...»، «یا ایها الذین هادوا»، «یا ایها الانسان...» مشخص می‌سازد و این به وضوح نشان می‌دهد که مخاطب کتاب الهی همه اقشار است.

۱۴. جداناپذیری قرآن و احادیث و ادعیه

امام در این رابطه فرمودند:

جوانهای ما را نباید از دعا منحرف کرد. این یک مطلب غیر صحیحی است به اسم این که «قرآن باید بیاید میدان» آن چیزی که راه هست برای قرآن، از دست داد. اینها وسوسه‌هایی است که از شوون شیطان است. به اسم این که قرآن باید خواند، دیگر دعا و حدیث باید کنار بیاید، دعا و حدیث را اگر استثنا کنیم قرآن هم رفته است. آنهایی که قرآن را می‌خواهند بیاورند میدان و حدیث را کنار بزنند، آنها قرآن هم نمی‌توانند به میدان بیاورند. آنهایی که ادعیه را می‌خواهند کنار بگذارند و به اسم این که

ما قرآن می‌خواهیم نه دعا، آنها قرآن را هم نمی‌توانند بیاورند به صحنه. اینها از وساوس شیطان است، و از چیزهایی است که انسان را گول می‌زند، بیان هم یک بیانی است که جوانها را گول می‌زند. باید این جوانها ببینند آنهايي که اهل حدیث بودند و اهل ذکر بودند و اهل دعا بودند بیشتر خدمت کردند به این جامعه، یا آنهايي که اهل این نبودند و می‌گفتند: ما اهل قرآنیم. کدام بیشتر خدمت کردند؟» (امام خمینی ج ۱۳۸۱: ۱۵۳).

از سوی دیگر در روایات داریم: پیامبر (ص) فرمودند: من دو چیز گرانبها و بزرگ را در میان شما می‌گذارم که اگر بدانها چنگ بزیند هرگز گمراه نمی‌شوید آن دو، کتاب خدا و اهل بیت من است در میان شما آن دو از همدیگر جدا نمی‌شوند تا در کوثر بر من وارد گردند در آنجا شما را در یاری این دو امانت بازجویی می‌کنم که چه کردید (دیلمی ۱۳۷۷ ج ۲: ۲۵).

۱۵. قرآن سر است

قرآن سر است، سر سر است، سر مستسر به سر است، سر مقنع به سر است، و باید تنزل کند، باید پایین، تا اینکه برسد به این مراتب نازل. حتی به قلب خود رسول الله که وارد می‌شد، باز تنزل بود، یک تنزلی کرده بود تا به قلب وارد می‌شد. بعد هم از آنجا باید نازل بشود تا برسد به آن جایی که دیگران هم بفهمند (امام خمینی ج ۱۳۸۱: ۱۶۵).

قرآن کریم خود وجود راز را در این کتاب بیان می‌دارد. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۷).

«اوست کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فر فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم [=صریح و روشن] است. آنها اساس کتابند؛ و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند [که تأویل پذیرند]. اما کسی که در دلهايش انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند:

«ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه مشابه] از جانب پروردگار ماست»، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود».

در آیات اول سوره قدر داریم «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ».

۱۶. آداب قرائت قرآن

در باب آداب قرائت قرآن امام خمینی می‌فرماید:

و از آداب قرائت، که موجب تأثیر در نفس نیز هست و سزاوار است که شخص قاری مواظبت آن کند، ترتیل در قرائت است. و آن، به طوری که در حدیث است، عبارت است از حد توسط بین سرعت و تعجیل در آن، و تآنی و فتور مفراط که کلمات از هم متفرق و منتشر گردد... . گوید پرسیدم از حضرت صادق، سلام الله علیه، از قول خدای تعالی که می‌فرماید: رتل القرآن ترتیلاً مقصود چیست؟ فرمود: حضرت امیرالمؤمنین، علیه السلام، فرمود: «یعنی اظهار کن آن را اظهار نمودن کاملی؛ و سرعت مکن در آن چنانچه در شعر سرعت می‌کنی، و متفرق مکن اجزاء آن را چون ریگهای متفرق که اجزایش با هم مُلتئم نشود؛ ولیکن طوری قرائت کنی که تأثیر در قلوب کند و دل‌های سخت شما را به فزع آورد؛ و هم شما آخر سوره نباشد» یعنی مقصود شما آن نباشد که قرآن را در چند روز ختم کنید؛ و یا این سوره را بزودی ختم نموده و به آخر رسانید (امام خمینی الف ۱۳۸۱: ۵۰۴-۵۰۳).

در قرآن کریم داریم: «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» (مزمل: ۴) قرآن را شمرده و با درنگ بخوان از ابن عباس نقل شده که رسول خدا، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، به من فرمود: قرآن را با ترتیل بخوان. گفتیم ترتیل چیست؟ فرمود: قرائت آن را روشن و آشکار کن و مانند خرما می‌خراپ، پراکنده مکن و همچون شعر تکه تکه منما، چون به عجائب آن رسیدید تأمل کنید، دلها را تکان دهید، نظرتان فقط رسیدن به آخر سوره نباشد (قرشی ۱۳۷۷ ج ۱۱: ۴۰۰).

البته آیات مبارکه ۷۸ و ۱۰۶ اسراء، ۴ و ۵ مدثر و ۲۰ مزمل به این حقیقت تصریح دارند.

۱۷. تفسیر قرآن

تفسیر قرآن یک مسأله‌ای نیست که امثال ما بتوانند از عهده آن برآیند. بلکه علمای طراز اول هم که در طول تاریخ اسلام، چه از عامه و چه از خاصه، در این باب کتاب‌های زیاد نوشته‌اند البته مساعی آنها مشکور است. لکن هر کدام روی آن تخصص و فنی که داشته است یک پرده‌ای از پرده‌های قرآن کریم را تفسیر کرده است، آن هم به طور کامل معلوم نیست بوده [باشد] (امام خمینی ج ۱۳۸۱: ۹۳).

ایشان همچنین اشاره دارند:

از چیزهایی که ممنوع است در اسلام «تفسیر به رأی است» که هر کسی آرای خودش را تطبیق کند بر آیاتی از قرآن، و قرآن را به آن رأی خودش تفسیر و تأویل کند و یک کسی مثلاً اهل معانی روحیه است، هر چه از قرآن [به] دستش می‌آید تأویل کند و برگرداند به آن چیزی که رأی اوست. ما باید، از همه این جهات احتراز کنیم. و لهذا دست ما در باب قرآن بسته است. میدان چنان باز نیست که انسان هر چه به نظرش آمد بخواهد نسبت بدهد، که قرآن این است، این را می‌گوید (امام خمینی ج ۱۳۸۱: ۹۶).

قرآن خود در خصوص تفسیر توجه دارد: «وَمِنْهُمْ أُمَّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (بقره: ۷۸).

«و پاره‌ای از آنها عوامانی هستند که کتاب خدا را جز یک مشت خیالات و آرزوها نمی‌دانند، و تنها به پندارهایشان دل بسته‌اند.»

و نیز «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۷)

۱۸. توقف نکردن بر ظاهر قرآن

امام بشر را به عمق قرآن فرا می‌خواند:

برای قرآن منازل و ظواهر و باطن‌هایی است که پایین‌ترین مرحله آن در پوسته الفاظ و گوره‌های تعینات قرار دارد. چنانچه در حدیث آمده است: «ان للقرآن ظهراً و بطناً و حداً و مطلعاً». «همانا قرآن ظاهری و باطنی و حدی و مطلعی دارد» (امام خمینی ۱۴۲۳: ۳۸)

امام خمینی بسنده نمودن به ظاهر قرآن و بازماندن از مغز و ژرفای آن را مرگ و هلاکت آدمی می‌داند و می‌فرماید:

ای مسکین در راه پروردگارت مجاهده کن و دلت را پاک گردان و آن را از تسلط شیطان رها ساز و بالا برو و کتاب پروردگارت را بخوان و با تأمل بخوان و در پوسته آن توقف مکن و گمان مبر که کتاب آسمانی و قرآن فرو فرستاده ربانی در همین پوسته و صورت است؛ زیرا توقف در صورت و ماندن در حد عالم ظاهر و نرفتن به مغز و باطن مرگ و هلاکت و ریشه تمامی جهالت‌ها و پایه تمامی انکار نبوت‌ها و ولایت‌هاست (امام خمینی ۱۴۲۳: ۵۹-۶۰).

قرآن کریم در لابلای آیات مختلف به این مفهوم اشاره دارد، از جمله: «تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَصْرِئِهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ» (عنکبوت: ۴۳): «اینها مثال‌هایی است که ما برای مردم می‌زنیم و جز عالمان آن را درک نمی‌کنند. پس برای درک عمق مطلب علم لازم است».

۱۹. تدبیر در قرآن

امام در نامه‌ای خطاب به خانم طباطبایی می‌نویسد:

در قرآن کریم این سرچشمه فیض الهی تدبیر کن هر چند صرف خواندن آن که نامه محبوب است^۱ به شنونده محجوب آثاری دلپذیر دارد، لکن تدبیر در آن انسان را به مقامات بالاتر و والاتر هدایت می‌کند. أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا. و تا این قفل و بندها باز نگردد و به هم نریزد، از تدبیر آنچه نتیجه است حاصل نگردد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۴۴۶).

در قرآن کریم آمده است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص: ۲۹): «این کتابی است پر برکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبیر کنند و صاحبان مغز (و اندیشه) متذکر شوند».

۲۰. مشکل مسلمانان کنار گذاشتن قرآن

امام در این رابطه می‌فرماید:

مشکلات مسلمین زیاد است، لکن مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته‌اند و تحت لوای دیگران در آمده‌اند. قرآن کریم که می‌فرماید که *وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا*، ما اگر همین یک آیه را، مسلمین اگر همین یک آیه را عمل به آن بکنند تمام اشکالات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و همه چیزشان بدون تشبث به غیر رفع می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۲۷۵).

در قرآن کریم داریم: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴): «و هر کس از یاد من روی گردان شود زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسور می‌کنیم».

۲۱. عدم غفلت از قرآن

امام خمینی می‌فرماید: «از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تَبیان کُلِّ شَيْءٍ است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند.» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۹۲-۹۱).

در این کتاب الهی می‌خوانیم: «قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا. قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسَيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى» (طه: ۱۲۶-۱۲۵): «می‌گوید: پروردگارا! چرا مرا نابینا محسور کردی؟ من که بینا بودم! می‌فرماید: این به خاطر آن است که آیات من به تو رسید و آنها را به فراموشی سپردی، امروز همان‌گونه فراموش می‌شوی».

۲۲. مهجوریت قرآن

امام به این مسأله اسفبار چنین اشاره دارند:

مهجورگذااردن قرآن مراتب بسیار و منازل بی‌شمار دارد که به عمده آن شاید ما متصف باشیم آیا اگر ما این صحیفه الهیه را مثلاً جلدی پاکیزه و قیمتی نمودیم و در وقت قرائت یا استخاره بوسیدیم و به دیده نهادیم، آن را مهجور نگذاشتیم؟ آیا اگر غالب عمر خود را صرف در تجوید و جهات لغویه و بیابیه و بدیعیه آن کردیم، این کتاب شریف را از مهجوریت بیرون

آوردیم؟ آیا اگر قرائات مختلفه و امثال آن را فرا گرفتیم، از ننگ هجران از قرآن خلاصی پیدا کردیم؟ آیا اگر وجوه اعجاز قرآن و فنون محسنات آن را تعلم کردیم، از شکایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مستخلص شدیم؟ هیئات! که هیچ یک از این امور مورد نظر قرآن و مَنزَلُ عظیم الشان آن نیست (امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۹۸).

در قرآن کریم آمده است: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان: ۳۰): «پیامبر [خدا] گفت: پروردگارا، قوم من این قرآن را رها کردند».

این آیه، از گلایه پیامبر اسلام (صلوات الله علیه) سخن می گوید و آن حضرت چون «رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ» است نفرین نمی کند.

امام رضا^(ع) فرمود: دلیل آن که در نماز، قرآن می خوانیم آن است که قرآن از مهجوریت خارج شود.

در روایات آمده است: هر روز پنجاه آیه از قرآن را بخوانید و هدفتان رسیدن به آخر سوره نباشد، آرام بخوانید و دل خود را با تلاوت قرآن تکان دهید و هر گاه فتنه‌ها همچون شب تاریک به شما هجوم آوردند، به قرآن پناه برید.

رابطه میان انسان و کتاب آسمانی، باید دائمی و در تمام زمینه‌ها باشد؛ زیرا کلمه «هجر» در جایی به کار می رود که میان انسان و آن چیز رابطه باشد.

بنابراین باید تلاشی همه جانبه داشته باشیم تا قرآن را از مهجوریت در آوریم و آن را در همه ابعاد زندگی، محور علمی و عملی خود قرار دهیم تا رضایت پیامبر عزیز اسلام را جلب کنیم.

نخواندن قرآن، ترجیح غیر قرآن بر قرآن، محور قرار ندادن آن، تدبیر نکردن در آن، تعلیم ندادنش به دیگران و عمل نکردن به آن، از مصادیق مهجور کردن قرآن است. حتی کسی که قرآن را فرا گیرد ولی آن را کنار گذارد و به آن نگاه نکند و تعهدی نداشته باشد، او نیز قرآن را مهجور کرده است (قرآنی ۱۳۸۳ ج ۸: ۲۴۸).

نتیجه:

دیدگاه‌های بلند امام خمینی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته و سراسر از آیات قرآن کریم منشعب است عبارتند از:

- آموزه‌های دینی در دو منبع کتاب و سنت وارد شده است.
- جامعیت قرآن در حوزه هدایت بشر معنا پیدا می‌کند.
- جهت اصلی اعجاز قرآن، در معارف بلند و عمیق توحیدی آن است.
- زبان قرآن، طوری است که تمام طبقات و سطوح مردم را مورد خطاب قرار داده و انسان‌ها به فراخور درک و دانش خود از آن بهره می‌برند.
- قرآن در میان مسلمانان مورد غفلت واقع شده است.
- نباید به ظاهر قرآن اکتفا کرد بلکه تدبیر و درک معانی و مفاهیم مورد توجه واقع شود.
- تطبیق اعمال انسان با قرآن موجب بهره برداری بیشتر از قرآن می‌گردد.

منابع

- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام* (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- _____ . (۱۴۲۳ق) *شرح دعاء السحر*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
- _____ . (بی تا) *کشف اسرار*، بی جا، بی نا.
- _____ . (۱۳۸۰) *آداب الصلوة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دهم.
- _____ . (۱۳۸۱) *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ بیست و پنجم.
- _____ . (ب ۱۳۸۱) *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ یازدهم.
- _____ . (ج ۱۳۸۱) *تفسیر سوره حمد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم.
- _____ . (۱۳۸۲) *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ هشتم.
- جعفری، یعقوب. (بی تا) *تفسیر کوثر*، قم: هجرت.
- خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰) *تفسیر خسروی*، تهران: انتشارات اسلامی.
- خویی، سید ابوالقاسم. (بی تا) *بیان در علوم رسائل کلی قرآن*، ترجمه محمدصادق نجمی و هاشم هاشم زاده هریسی، تهران: وزارت ارشاد.
- دیلمی، حسین بن محمد. (۱۳۷۷) *ارشاد القلوب*، ترجمه: سیدعبدالحسین رضایی، تهران: اسلامی.

- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (بی تا) *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عرفان، حسن. (۱۳۷۹) *عجاز در قرآن کریم*، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳) *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۷) *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.

